

گزارش راهبردی



IPMSS_ISU

بررسی جامع قرارداد ۲۵ ساله ایران - چین

بررسی جایگاه صنعت نفت و انرژی در قرارداد 25 ساله ایران و چین

علی آذرائین

در سال‌های پس از انقلاب بخصوص در یک دهه گذشته تحریم‌های ایالات متحده، اقتصاد ایران را نشانه گرفته است. همان طور که رهبر انقلاب فرمودند هدف آمریکا از این تحریم‌های جنایتکارانه این است که مانع پیشرفت کشور بشوند و دولت و اقتصاد ایران را به سمت ورشکستگی و فروپاشی ببرند. تحریم‌های گسترده و فشار اقتصادی غرب به ایران باعث کم‌رنگ شدن توجه و توان اقتصاد کشور برای توسعه بلند مدت زیرساخت‌ها شده است. ما باید برای خروج از این شرایط طبق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با رویکرد درون‌زایی و برون‌گرایی عمل کنیم. یعنی اقتصادی مبتنی بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی در حوزه‌های نیروی انسانی، دانش، زیرساخت‌ها و منابع و در عین حال در تعامل با اقتصاد سایر کشورها و یک بده بستان فعالانه و نه منفعلانه داشته باشیم.

چین به عنوان دومین اقتصاد جهان چندی است در راستای موازنه قدرت با ایالات متحده و تامین انرژی مورد نیازش به دنبال حضوری پررنگ در خاورمیانه است. کم توجهی چین به تحریم‌های آمریکا در زمینه خرید نفت خام درکنار صنعت و اقتصادی قدرتمند میتواند این کشور را به عنوان شریکی مناسب برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی ایران قرار دهد. قرارداد ۲۵ ساله همکاری‌های ایران و چین، راهکاری است برای برقراری ارتباطی بلند مدت بین دو کشور اما مسئله اینجاست این راهکار چه منافع و چالش‌هایی را پیش روی ما و چینی‌ها قرار میدهد؟

در این متن ما به دنبال بررسی ابعاد این تفاهم‌نامه در حوزه صنعت نفت و فرصت‌های موجود برای همکاری و البته چالش‌ها و خطرات این مسیر هستیم.

چین به دنبال یک منبع تامین انرژی مطمئن و بلند مدت است تا تنوع سبد واردات انرژی خود را افزایش و ریسک احتمالی که شاید بوسیله آمریکا و تحریم‌هایش ایجاد بشود را کاهش دهد. در چند سال گذشته سهم ایران از واردات نفت چین به حدود ۳ درصد تقلیل یافته در حالی که عربستان و روسیه در حال افزایش سهم خود در بازار نفت چین هستند. در این قرارداد ایران تعهد می‌دهد نفت خام مورد نیاز چین را به مدت ۲۵ سال تامین نماید و در عوض چین نیز متعهد می‌شود منابع حاصل از فروش نفت را برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی ایران از جمله صنعت نفت مصرف کند.

تفاهم نامه در حوزه صنعت نفت حاوی موارد زیر است:

- تشویق شرکت‌های طرفین برای توسعه میادین نفتی ایران از طریق مشارکت یا سرمایه گذاری مشترک
- مشارکت در ساخت و تجهیز مخازن ذخیره‌سازی نفت و فراورده‌های نفتی در ایران، چین و یا سایر کشورها
- انعقاد قرارداد همکاری در پروژه‌های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت ایران با شرکت‌های توانمند چین
- افزایش صادرات محصولات پتروشیمی ایران به چین
- برقراری مشوق‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری و مشارکت طرف چینی در پروژه‌های مربوط به مناطق نفت و گاز ایران در چارچوب قوانین ایران
- تسهیل سرمایه‌گذاری طرف چینی در پروژه‌های پالایشگاهی و صادرات فراورده‌های نفتی از جاسک و ساخت بندر جاسک
- جذب سرمایه‌گذاران چینی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهرک پتروشیمی چابهار با برقراری تسهیلات و سیاست‌های ترجیحی
- طراحی و ساخت پالایشگاه مشترک در چین متناسب با خصوصیات نفت ایران
- سرمایه‌گذاری در زمینه پالایشگاه‌های کوچک و متوسط در شرق، غرب و جنوب ایران برای صادرات فراورده‌های آن به کشورهای همسایه

یکی از فرصت‌های بی نظیر اقتصاد ایران که می‌تواند مانع از خام فروشی نفت و گاز بشود؛ تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت است که در این صورت می‌توانیم با فروش فراورده‌های پتروشیمی و پالایشگاهی در بخش پایین دستی صنعت، درآمد گسترده‌ای را برای کشور ایجاد کنیم همچنین با توجه به فروش آسان‌تر فراورده‌های نفتی نسبت به نفت خام می‌توان تا حدودی تحریم‌های ایالات متحده را دور زد. این قرارداد می‌تواند یک ظرفیت مناسب برای توسعه بخش پایین دستی صنعت نفت باشد. اما سوال اینجاست. آیا چین حاضر به سرمایه‌گذاری به منظور توسعه این بخش می‌شود؟

صنعت غول پیکر چین در دهه‌های گذشته همواره به عنوان یک تقاضاکننده بزرگ نفت و گاز و فراورده‌های پتروشیمی و پالایشی بوده‌است به طوری که واردات نفت خام این کشور در سال ۲۰۰۰

از حدود ۱ میلیون بشکه در روز به بیش از ۱۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۹ رسیده است. اما در سال های قبل به سمت توسعه بخش پایین دستی صنعت نفت خود حرکت کرده و به تدریج در حال کاهش تقاضا در بازار تولیدات پتروشیمی و پالایشگاهی می باشد حتی در بسیاری از تولیدات این حوزه نیز صادرات دارد. در سال ۲۰۱۸ چین از واردکننده خالص سوخت به یکی از ۱۰ صادرکننده برتر محصولات تصفیه شده جهان تبدیل شد. صادرات کل نفت و گاز، بنزین و نفت سفید این کشور بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ با ۲۷۷ درصد افزایش به ۴۶/۰۸ میلیون تن (۹۲۵۰۰۰ تن در روز) رسید. با این روند پیش بینی می شود این کشور در دو دهه آینده رقیبی جدی در صادرات اکثر فراورده های نفتی و گازی برای ایران و دیگر کشورهای این عرصه محسوب شود.

چین در صنعت نفت ایران به دنبال توسعه میادین نفتی و گازی و افزایش برداشت از این میادین می باشد. که در نهایت به سرمایه گذاری در بخش بالا دستی صنعت نفت ما می انجامد. با توجه به مطالب یاد شده دو دلیل عمده برای سرمایه گذاری چینی ها در این بخش قابل پیش بینی است:

➤ نیاز پتروشیمی و پالایشگاه های چین به نفت خام و گاز بعنوان خوراک و همچنین تامین انرژی مورد نیاز خود

➤ چین تمایل به ایجاد رقیب در بازار فراورده های نفتی و گازی برای خود نیست؛ با توجه به روند توسعه پالایشی و پتروشیمی چین، احتمال می رود این کشور در آینده به بزرگترین صادرکننده محصولات پتروشیمی جهان تبدیل خواهد شد و برای رسیدن به این هدف قطعا علاقه ای به توسعه صنایع پایین دستی ما نخواهد داشت.

بنابراین برای حل این چالش ها دو راهکار می تواند راهگشا باشد:

✓ مشارکت با چین در بهره برداری از پتروشیمی ها و پالایشگاه ها به صورتی که چینی ها نیز سهمی از منافع حاصل از فروش این فراورده ها داشته باشند. در این صورت احتمال ترغیب شدن آنان به سرمایه گذاری در بخش پایین دستی صنعت نفت بیشتر می شود.

✓ با توجه به تمایل چینی ها به سرمایه گذاری در پروژه های بالادستی صنعت نفت ایران، می توان و امکانات کشور را به جای پراکنده کردن در همه بخش های این صنعت، در بخش پایین دستی یعنی پتروشیمی و پالایشگاه ها متمرکز کنیم تا توسعه ای متوازن در بخش های پایین دستی و

بالادستی صنعت صورت بگیرد. همچنین می توان از ظرفیت بازارهای سرمایه ای برای تامین مالی بخش پایین دستی استفاده کرد.

یکی از ریسک های راهبردی موجود در این قرارداد، این است که طرف چین در تامین انرژی مورد نیازش، دولت ایران است. اما طرف ایران برای همکاری های مشترک برای توسعه زیرساخت های اقتصادی کشور، شرکت های چینی هستند که سابقه نشان داده در موارد متعدد در برابر تحریم های آمریکا تسلیم شدند. با توجه به عدم تعهد قطعی دولت چین برای هدایت این شرکت ها به سمت همکاری، چه تضمینی وجود دارد که این شرکت ها به تعهدات خود به درستی عمل کنند؟

با توجه به مسائل مطرح شده، سه راهبرد برای پوشش این ریسک می توان مطرح کرد:

❖ نقشه راه این همکاری ها به صورت مرحله ای نوشته شود و متناسب با دستیابی به اهداف مرحله ای منافع طرف چینی تامین گردد، تا مشکلاتی که سابقا در توافقات با کشورهای غربی وجود داشت به وجود نیاید همچنین شرکت های چینی نیز به تعهدات خود به طور کامل عمل کنند.

❖ در طراحی قسمت های زیر مجموعه طرح، بخش قابل توجهی از منافع در قالب منافع مشترک تعریف شود. در این صورت چین نیز از عایدی توسعه صنعت نفت بهره مند شده و تلاش خود برای تکمیل این زیرساخت ها را افزایش می دهد.

❖ ایجاد یک ظرفیت کارشناسی خوب برای طراحی و مدیریت قراردادهای زیرمجموعه برنامه همکاری با چین، یک رویکرد لازم برای پوشش ریسک موجود است که می تواند چالش ها و نگرانی های این قرارداد را قبل از تفاهم و در طول اجرای آن به طور موثر کاهش دهد.

برنامه جامع همکاری های ۲۵ ساله ایران و چین فرصت خوبی برای کم اثر کردن تحریم ها و سرعت بخشیدن به توسعه زیرساخت ها و تکمیل زنجیره های ارزش صنعت نفت می باشد. اما فرصت های موجود نباید ما را نسبت به چالش های این مسیر بی توجه کند و به یک توافق نامه منفعلانه منجر بشود. باید از حداکثر فرصت های ممکن در این همکاری ها استفاده کنیم.

بررسی جایگاه تجارت خارجی در قرارداد 25 ساله ایران و چین

علی معصومی

این توافق‌نامه به این دلیل که تا حدودی مبهم است و از طرفی در مواردی ایران تجربه‌های تلخی در مراوده با سایر کشورها داشته‌است، مخالفان و موافقانی دارد؛ اما جدای از موضع‌گیری‌های جناحی، بهتر است این مقوله را از دید علمی و مطابق با واقعیت بررسی کنیم.

توافق با کشوری که قدرت دوم اقتصادی دنیاست و طبق بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد اول جهان را در آینده خواهد داشت، هیچ‌گاه خالی از لطف نیست اما باید ملاحظاتی رعایت شود:

• همکاری در کنار استقلال

همان‌طور که مطرح است، این تفاهم‌نامه تنها یک نقشه راه کلی میان دو کشور است و اصل پیمان‌ها در قراردادهای موردی است که بعداً انجام خواهد گرفت، در واقع در این مرحله است باید دستگاه‌های ایرانی تمام ظرفیت‌شان را در جهت محقق شدن استراتژی برد-برد (Win-win strategy) به کار ببندند. در عین حال باید از این جهت دوراندیشی داشته باشند که در آینده، این قراردادها منجر به وابستگی ایران به کشور چین نشود، زیرا با توجه به پیش‌بینی‌ها این کشور با سرعت فوق‌العاده به سمت قدرت نخست جهان پیش می‌رود، واضح است وابستگی و نفوذ چنین کشوری، در کشوری اسلامی جایز نیست.

• انتقال فناوری

شرکت‌های خودروسازی چینی از اوایل ۱۹۸۰ به امضای قراردادهای تولید مشترک با شرکت‌هایی نظیر آمریکن موتور کورپوریشن (American motor corporation) یا فولکس واگن (Volkswagen) آلمان برای خودرو در چین اقدام کردند. آن‌ها با زیرکی خاصی توانستند پس از یک دوره ده‌ساله، از حوالی ۱۹۹۴، انتقال فناوری و شروع به طراحی پلتفرم‌های جدید بپردازند. متأسفانه شرکت‌های ایرانی در این زمینه موفقیت‌های چندانی نداشته‌اند. تنها یک مورد پروژه مشترک طراحی موتور در آخن آلمان توافق شده بود که آن‌هم ناقص و تکامل نیافته باقی ماند (البته از تاثیر تحریم‌ها نیز نباید غافل بود). اگر ایران بخواهد در زمینه انتقال فناوری پیشرفت کند، نباید منتظر واگذاری فناوری از طرف مقابل باشد، بلکه باید قبل از اینکه آن‌ها وارد شوند، برنامه‌های بلندمدت، و بستر آن را آماده داشته باشد.

دو ظرفیت راهبردی که از این توافق می‌توان به آن رسید:

۱- مناطق آزاد تجاری-صنعتی

همانطور که در تفاهم‌نامه قید شده است: سرمایه‌گذاران چینی تشویق می‌شوند تا در مناطق آزاد ایران خصوصاً قشم، ماکو و اروند سرمایه‌گذاری کنند. حقیقت این است که این مناطق برای جذب سرمایه‌گذار خارجی به وجود آمده‌اند، اما زیرساختی که در مناطق آزاد ما وجود دارد، متأسفانه نتوانسته است حتی سرمایه‌گذاری داخلی که ویتترین جذب سرمایه‌گذاران خارجی است را به صورت فعال جذب کند. حال چه انتظاری از شرکت‌های چینی است.

آمار رسمی که توسط اجلاس توسعه و تجارت سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ منتشر شد حاکی از آن است که مناطق آزاد ایران، در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ به‌طور میانگین سالانه ۳ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار جذب سرمایه خارجی داشته‌اند. یعنی تنها دو و نیم درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور.

از سوی دیگر ایران می‌تواند منافع خود را به بهانه این تفاهم‌نامه در چین، مخصوصاً در مناطق آزاد آن دنبال کند. از قوانین و امتیازات مناطق آزاد تجاری طبق اعلام سازمان تجارت جهانی (WTO)، این است که نهادهای بانکی می‌توانند شعبات خود را در مناطق آزاد کشورهای مختلف تاسیس کنند. بدین ترتیب نهادهای داخلی می‌توانند برای از بین بردن تعدادی از موانع صادرات که شامل بانک‌ها و تبادلات ارزی، همچنین تعیین میزان ریسک سیاسی و شفاف سازی محیط بازرگانی آن برای بازرگانان داخلی می‌شود، شعبه‌هایی از بانک‌های داخلی را در مناطق آزاد چین تاسیس کنند. هرچند برای تبادلات ارزی بهتر، نیاز به تاسیس مستقیم شعبه بانک نیست و انتقال ارزی می‌تواند دور به دور صورت بگیرد، اما نکته قابل توجه این است که یکی از استراتژی‌های توسعه، گسترش ارتباط با بازار هدف است، تاسیس بانک‌های فعال در این زمینه می‌تواند قدم خوبی در این مسیر باشد.

از اهمیت بانک‌ها در تجارت بین‌الملل همین بس که یکی از آژانس‌های تخصصی تعیین ریسک سیاسی در کشورهای مقصد، بانک‌ها هستند.

۲- جاده ابریشم جدید (کریدور ترانزیتی بزرگ شرق-غرب)

یکی از مشکلات جدی کشورها در تجارت و بلاخص مناطق آزاد، حمل‌ونقل و اتصال به کریدورهای حمل‌ونقلی است.

در حال حاضر یکی از مشکلات اساسی کشور در این مورد است، توافق با کشوری که به شدت دنبال گسترش چنین زیرساختی در جهان است (به احتمال قوی تفاهم نامه ۲۵ ساله ایران و چین نیز در همین راستا می باشد)، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و حضور کشورهایی که در مسیر ایران و چین هستند، تخصیص وام‌هایی توسط بانک توسعه زیرساخت‌های آسیا، می‌تواند ایران را در ایجاد زیرساختی مستحکم و پایدار یاری دهد.

کریدورهای انتقالی تنها مسیر رفت و برگشت ساده میان چند کشور نیست. زمانی که شبکه کریدورهای مشخصی میان کشورها وجود داشته باشد، در واقع بازارهایی آشنا، با دسترسی آسان و شناخته شده‌ای برای بازرگانان به وجود می‌آید. از نمونه‌های موفق کریدورها، کریدور اقتصادی چین- مغولستان- روسیه یا به اصطلاح CMREC است. از آنجا که مغولستان کشوری محصور در خشکی است و نزدیک‌ترین کشور به او روسیه است، اکثر مراودات آنها با روسیه انجام می‌گرفت. چین با ابتکار کمربند و جاده، مغولستان را به خود متصل کرده و راه را برای تجار چینی و مغولی هموار کرد. در حال حاضر مراودات مغولستان با چین، بیشتر از روسیه است.

جمع‌بندی

کشورهای که رشد سریع اقتصادی را در دهه اخیر داشته‌اند، اطلاع دارند که تجارت بین‌الملل از اصلی‌ترین عوامل پیشرفت بوده است. از طرفی حضور در بازارهای نوظهوری مثل ایران تنها به سادگی امضاء چند قرارداد نیست. همان‌طور که چین با زیرکی توانست راه فناوری را به سوی کشورش بگشاید. کشوری که زیرساخت‌های علمی و بسترهای فناوری برای اخذ دانش را نداشته باشد، نمی‌تواند آن‌طور که باید تعاملات مؤثری با طرف قرارداد داشته باشد. در این میان او تنها منابع طبیعی و انسانی خود را در اختیار او قرار خواهد داد.

پس تنها راهبرد مؤثری که می‌تواند طرف ایرانی قرارداد را به سمت شرایط برد- برد در این تفاهم‌نامه سوق دهد، داشتن استراتژی از قبل مشخص شده در تمامی سطوح و مشارکت دادن شرکت‌ها و نیروهای بومی با انگیزه، در طرح‌های مشترک مورد توافق است.

بررسی جایگاه صنعت خودرو در قرارداد 25 ساله ایران و چین

علی جودت‌وند

صنعت خودروی هرکشوری به دلیل ارزش و جایگاه ویژه آن در شبکه تولید صنعتی و خدمات پس از فروش، یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شود. این صنعت به لحاظ ارتباط گسترده با زنجیره‌ای از صنایع قبل و بعد خود، صنعتی کلیدی محسوب شده و دارای پتانسیل بالایی در اشتغالزایی و نقشی مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... ایفا می‌کند. صنعت خودرو به دلیل ارتباط با بیش از ۶۰ صنعت دیگر به لکوموتیو صنایع معروف می‌باشد. در ساخت خودرو، مجموعه‌های از تکنولوژی رشته‌های مختلف صنعتی (فلزی، پلاستیک، شیمیایی، پارچه، عایق، شیشه، الکترومکانیک، برق، متالوژی و...)، طراحی، مدیریت و اقتصاد به کار رفته است و به همین دلیل این صنعت را به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی به حساب می‌آورند. صنعت خودروی ایران شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است، اما در مجموع، امروزه به عنوان بخش مهمی از کل صنعت و اقتصاد ملی کشور محسوب می‌شود، به نحوی که جامعه از آن انتظارات فراوانی دارد. صنعت خودرو به خاطر آنچه بر آن گذشته و می‌گذرد به شدت با اتفاقات مهم اجتماعی و سیاسی همچون انقلاب، جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه‌ای چه در مسائل عمرانی و اقتصادی چه در روابط خارجی و یا در رابطه با وضع تحریم‌های نا عادلانه عجین شده است. حتی پس از تحریم‌های آمریکا، کشورهای دیگر ارتباط صنعتی با ایران را کاهش دادند و به دنبال آن خودروهای چینی نیز از بازار کشور خارج شدند. حال پس از مدت‌ها برخی اخبار حاکی از آن است که قرار است چین شریک تجاری ایران در صنعت خودرو شده و این موضوع می‌تواند باعث سروسامان دادن به بازار آشفته ایران شود.

لازمه رقابتی شدن اقتصاد ایران، با مواردی همچون، ایجاد فرهنگ تعامل بین‌المللی، مشارکت راهبردی و اتحاد با کشورهای و بازارها، مشارکت در تولید جهانی، بازکردن بخش مالی به صورت تدریجی و مرحله‌ای و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحقق می‌یابد. اهم روش‌های اجرایی توسعه شرکت‌های خودروسازی و راه پیشگیری برای بقاء، پیروی از استراتژی‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری مشترک با سازندگان جهانی، پلتفرم مشترک، خرید و یا ادغام، یافتن شرکای راهبردی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با پشتیبانی مدیریتی و انتقال برخی عملیات به بازار مقصد، تولید، فروش و خدمات پس از فروش، و تحقیق و توسعه است.

این متن به دنبال بررسی ابعاد تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در حوزه صنعت خودرو و فرصت‌های موجود برای همکاری و البته خطرات این مسیر هست.

چین بازیگر جدی عرصه اقتصاد جهان در قرن ۲۱ به شمار می‌رود، و در صنعت خودرو، این کشور به متنوع‌ترین بازار عرضه خودروهای جدید بشمار می‌آید. در این کشور زنجیره‌های سازندگان بسیار قوی در زمینه ساخت قطعات خودرو (OEM) و قطعات یدکی (OES) شکل گرفته است و علاوه بر زنجیره‌های سازندگان، زنجیره‌های طراحی اجزای خودرو، زنجیره‌های تست و تایید خودرو نیز در چین توسعه زیادی یافته و با شرکت‌های بزرگ و مطرح جهانی همکاری می‌کند.

بازار چین به صورت تخصصی در زمینه خودروهای کیفی و ارزان قیمت در دنیا وارد عمل شده و میتوان این کشور را به عنوان بهترین مرجع خودروهای کیفی و ارزان قیمت برای سبد محصولات خودرویی ایران تشخیص داد. ایران و چین سال‌هاست از روابط اقتصادی نزدیکی با یکدیگر برخوردارند و به‌ویژه در دوران تحریم، چینی‌ها یکی از منابع اصلی تامین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز صنایع مختلف به‌خصوص خودروسازی بوده و هستند. در همین تحریم‌های فعلی، اگرچه چینی‌ها فعالیت خودروسازی خود را در ایران به حداقل رسانده‌اند. با این حال کماکان بخش اعظم مواد اولیه و قطعات مورد نیاز قطعه‌سازان و خودروسازان داخلی از سمت چین تامین می‌شود. حالا به نظر می‌رسد با توجه به سختی‌ها و دردسرهای زیادی که تحریم برای اقتصاد ایران و بخش صنعت و به‌طور خاص خودروسازی داشته، دولت ایران به دنبال همکاری مستمر و طولانی با چین بوده تا شاید ثباتی نسبی اما بلندمدت را در اقتصاد تجربه کند.

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین نیز نشان می‌دهد دو طرف برای آینده، حساب ویژه‌ای روی هم باز کرده‌اند. اعم از اینکه ایران می‌خواهد از چینی‌ها جذب سرمایه کند و چین نیز به دنبال استفاده کم‌هزینه تر از منابع انرژی ایران و همچنین به دنبال حضور پررنگ‌تر در بازارهای کشورمان است و در این بین، «خودرو» گزینه‌ای جذاب برای آنها به شمار می‌رود.

تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران چین در حوزه صنعت خودرو حاوی موارد زیر است :

- همکاری بین شرکت‌های خودروساز دو کشور به منظور انتقال فناوری و تولید مشترک جهت عرضه در بازار دو کشور و کشورهای ثالث از طریق ایجاد چرخه‌های تولید

- مشارکت شرکت‌های خودرویی چینی با دو خودروساز ایرانی از قبیل اشتراک گذاری دانش‌های فنی در زمینه ایجاد پلتفرم‌های مشترک و...

- طراحی شهرک صنعتی تولید خودرو و صنایع مرتبط با تمرکز بر استفاده از فناوری انرژی تجدیدپذیر

بایستی این همکاری دارای الزاماتی باشد تا همین قرارداد بلند مدت و استراتژیک در صنعت خودرو برای ما به یک معامله برد-برد ختم شود.

راهِبردها:

➤ چین در سالیان اخیر به بازار خودروی ایران تنها به عنوان یک بازار مصرف نگاه کرده و زمینه انتقال دانش و فناوری را فراهم نیاورده است، بنابراین درگام اول باید جزئیات این قرارداد مشخص و همچنین آورده چینی‌ها برای صنعت خودرو اعلام شود، تا بتوانیم از این قرارداد به نفع خود استفاده کنیم و همچنین در مقابل آن چیزی که در اختیار چینی‌ها قرار می‌دهیم، باید هم‌وزنش چینی‌ها قدم‌های مناسبی را بردارند، تا این قرارداد برای هر دو طرف سود داشته باشد، نه اینکه تنها یکطرفه اجرایی شود.

➤ با اشاره به بندهای این قرارداد در زمینه پلتفرم‌ها این نکته را مدنظر داشته باشیم که لازم است سرمایه‌گذاری بر روی یک پلتفرم مشترک تعریف شود که با این حساب میتوان محصولاتی با برندی مشترک تهیه و تولید کرد. در زمان حال برخی از شرکت‌های بخش خصوصی کشورمان ارتباط خوبی با خودروسازان چینی دارند و فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. به هر حال در دوره‌ای که شرکت‌های غربی هیچ‌کدام حاضر به همکاری با ایران نشدند، همکاری با چین می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این است که مشکل ما با شرکت‌های غربی در خصوص چین دوباره تکرار نشود؛ ایران سالیان سال از قبل انقلاب با شرکت‌های غربی از جمله با شرکت‌های فرانسوی کار کرده و آسیب‌هایی نیز از سمت آن‌ها دیده است.

➤ مسئله نقل و انتقال پولی و بانکی باید مشخص شود، در برجام نیز مشاهده کردیم که اروپایی‌ها اعلام کردند که سازوکار مالی اینستکس را راه‌اندازی خواهند کرد، اما این مسئله در عمل اتفاق رخ نداد. حال با توجه به اینکه به نظر می‌رسد قرارداد بلند مدت بین ایران و چین منعقد خواهد شد و تحریم‌های آمریکا ادامه خواهد یافت، باید مشخص شود که سازوکار نقل و انتقال پول

چگونه خواهد بود؛ چراکه در حال حاضر چندین میلیارد دلار از منابع ما در چین بلوکه است، بنابراین تا زمانیکه این مسائل تعیین تکلیف نشود، نمی‌توان چندان به اجرای این قرارداد خوشبین بود.

➤ نکته حائز اهمیت در این قرارداد، زمان اجرای پروژه است. در حال حاضر خودروسازی ایران تحریم است و چینی‌ها نیز بر موج آن سوار شده‌اند، بنابراین ممکن است شکل‌گیری همکاری جامع ایران و چین در حوزه خودرو، احتمالاً به بعد از لغو تحریم‌ها موکول شود. این درحالی است که اگر ۲۵ سال استفاده از بازار خودرو ایران، چینی‌ها را تحریک کرده و سبب تغییر سیاست‌های تحریمی‌شان شود، مشارکت بزرگ طرفین زودتر آغاز خواهد شد. البته این احتمال نیز هست که چینی‌ها تا زمان لغو تحریم صبر کرده و در این مدت، مقدمات حضور ۲۵ ساله شان در خودروسازی ایران را فراهم کنند.

صنعت خودروی ایران برای پیمودن مسیر سریع رقابتی شدن و اقتصادی تولید کردن، باید عرضه مدل‌های جدیدی را مورد مطالعه قرار دهد، به ویژه آن که پتانسیل‌های بسیار بالایی در کشورهای از جمله چین وجود دارد، که با برنامه‌ریزی درست باید از این توانمندی استفاده کامل کرد.

بررسی جایگاه تامین مالی در قرارداد 25 ساله ایران و چین واکاوی نقش سیتیک تراست

برنامه‌ی ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین، توافقنامه راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین است که طبق آن، سرمایه‌گذاری با حجم قابل توجهی از سمت طرف چینی در صنایع زیرساختی جمهوری اسلامی ایران، صورت خواهد گرفت. از سوی دیگر طبق این تفاهم‌نامه، همکاری مشترکی بین دو کشور در حوزه‌های نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی صورت می‌گیرد که بیش از ابعاد اقتصادی این قرارداد، توجه کشورهای غربی را به خود جلب کرده است.

هرچند برخی اظهارنظرها راجع به قرارداد مذکور با نگاهی یک جانبه به این مسئله بیان شد و زمینه ساز ایجاد حواشی متعددی پیرامون این قرارداد گردید، اما حقیقت توافق‌نامه راهبردی و بلندمدت ایران و چین، مربوط به امروز و دیروز نیست و طرحی است که طی چندین سال روی جزئیات آن از سوی هر دو طرف کار شده است.

شاید نخستین صحبت از این قرارداد را بتوان در سخنان شی جین پینگ (Xi Jin ping)، رئیس‌جمهور چین، در سفر به تهران دنبال کرد که اعلام کرد توافقی میان رهبران دو کشور، درمورد یک همکاری راهبردی ۲۵ ساله در ابعاد مختلف صورت گرفته است. کمی پس از آن، متن پیش‌نویس اولیه توافق‌نامه جامع همکاری میان ایران و چین در حوزه‌های مورد نظر، به زبان انگلیسی منتشر شد. نهایتاً در ۳ تیرماه ۱۳۹۹ در نشست، این قرارداد به تایید رئیس‌جمهور ایران رسید و به وزارت امور خارجه مأموریت داده شد که طی مذاکرات نهایی با طرف چینی، براساس منافع متقابل بلندمدت، این برنامه را به امضای طرفین برساند.

این تفاهم‌نامه راهبردی، از شکل‌گیری تا تایید از سوی طرفین، خود دارای سیر چند ساله‌ای است اما نکته‌ی مغفول در بررسی‌ها، سیر همکاری‌ها و تفاهم‌نامه‌های میان مدت دیگری است که در طول ۵ سال نهایی شدن این قرارداد، روند همکاری دو طرفه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین را حفظ و تقویت کرد تا در نهایت در قالب این همکاری استراتژیک بلندمدت، تثبیت شود.

مد نظر این تحلیل، بررسی رابطه‌ی مابین مؤسسه‌ی سیتیک تراست (CITIC Trust) چین و پنج بانک ایرانی، به عنوان نخستین قرارداد بزرگ ایران با چین پس از برجام، با هدف زمینه سازی ارتباط تجاری-اقتصادی قوی تر و گسترده تر بین دو ملت پیش از تایید نهایی قرارداد ۲۵ ساله است.

قرارداد ده میلیارد دلاری با اژدهای آسیا

شهریور ۱۳۹۶، ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی وقت، با اعلام خبر امضای یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری با مؤسسه سیتیک تراست چین و یک تفاهم نامه ۱۵ میلیارد یورپی با بانک توسعه چین، مهر تأییدی زد بر اینکه ارزش قراردادهای امضاشده کشور در حوزه فایننس و تأمین مالی، به بیش از ۵۵ میلیارد دلار رسیده است.

شرکت سیتیک تراست

اولین موردی که در این قرارداد به چشم می‌خورد، جایگاه و وجهه‌ی طرف قرارداد یعنی مؤسسه-ی سیتیک تراست به عنوان یکی از مؤسسات مالی بزرگ جهان است. مطابق گزارش بلومبرگ، این موسسه بزرگ‌ترین شرکت مورد اعتماد چین در حوزه دارایی‌های مدیریتی است و از این رو به "اژدهای آسیا" مشهور شده است. پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های این شرکت، مجموعه کاملی از اوراق بهادار، صندوق سهام خصوصی، بخش‌بندی سهام دارایی، صندوق‌های مشترک و تأمین مالی اوراق قرضه است. ذیل خود مؤسسه شرکت‌های: بانک ساخت و ساز چین، بانک سیتیک، گروه جیدو، شرکت چاینا فیلم و شرکت پست اکسپرس چین، به عنوان زیرمجموعه تعریف شده‌اند. همچنین سیتیک تراست در زمان انعقاد قرارداد، در بین ۵۰۰ شرکت مالی دنیا، از رتبه ۵۱ برخوردار بود.

دلیل دیگر اهمیت حضور سیتیک تراست در این قرارداد، حضور فعال سیتیک گروپ (CITIC Group) در گروه‌های اقتصادی-مالی بین‌المللی بود؛ به همین خاطر انتظار می‌رفت که با تمسک به این قرارداد، این شرکت به عنوان دروازه ورود ایران به جهان عمل کند. همچنین با بهره‌گیری از توانمندی شرکت‌های سیتیک در جهت اجرای طرح‌های بزرگ کشور، این مؤسسه به عنوان عامل تسریع اجرای پروژه‌های متعدد و در نتیجه سبب همبستگی بیشتر گروه‌های اقتصادی-مالی ایران و چین شود.

آن طور که از صحبت‌های مدیرکل بانک مرکزی در نشست پس از امضا مشخص است، از دلایل توجه بانک مرکزی به این قرارداد، سوابق فعالیت سیتیک تراست در تسریع اجرای پروژه‌ها است.

حوزه‌های مدنظر در قرارداد

سرمایه‌گذاری چین در ایران در قالب قرارداد تأمین مالی معادل ۱۰ میلیارد دلار به ارزهای «یوان» و «یورو» بین ۵ بانک توسعه صادرات، صنعت و معدن، رفاه، پارس‌یان و پاسارگاد با شرکت «سیتیک تراست» صورت گرفته بود. این سرمایه، به صورت تأمین مالی پروژه‌های تولیدی، عمرانی و صنعتی که مجوزهای لازم را با اخذ مراحل قانونی طی کرده بودند و حوزه‌های مدیریت منابع آبی، انرژی، محیط‌زیست و حمل و نقل و ... تخصیص یافته بود. همچنین بهره‌مندی از خط اعتباری میان‌مدت چین در پروژه‌های تولیدی، صادراتی در دستورکار قرارداد بود.

کلیت قرارداد «سیتیک تراست»، به سه دسته تقسیم شده بود که یکی از محورهای آن، بحث فایننس و تأمین مالی پروژه‌ها بود که در یادداشت، توجه ویژه به این مورد بود.

توجه به جایگاه نظام بانکی در پیشبرد روابط اقتصادی-تجاری

از نکات ویژه قرارداد، توجه به توسعه روابط بانکی به عنوان یکی از پیش‌نیازهای مهم توسعه روابط انسانی و اقتصادی دو کشور است. علت این جایگاه نظام بانکی در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی، نقش بانک‌ها در ایجاد اطمینان و امنیت در روابط تجاری و کاهش هزینه‌ها و ریسک معاملات است. فلذا لازمه توسعه روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف، روابط کارگزاری دامنه دار و وسیع در حوزه بانکی است.

قطعه مهم در پازل روابط دو کشور

این قرارداد، نخستین قرارداد بزرگ ایران با چین پس از برجام است. نکته‌ی حائز توجه، اشتیاق چین به تأمین مالی پروژه‌های ایران است که یک نمود آن در انتظار و اعلام آمادگی شرکت سیتیک تراست برای تقبل تأمین مالی پروژه‌های کشور است. مدیران این شرکت چینی یک سال پیش از امضای این قرارداد، در سفر خود به ایران و در دیدار با مدیرعامل ایمیدرو، از برنامه تأمین مالی برای طرح‌های معدنی و صنایع معدنی ایران خبر دادند و اعلام کردند آماده ارائه ۱۰ میلیارد دلار در قالب فایننس به ایران هستند.

ژو یافانگ (Zhou Yafang)، مدیر ارشد گروه سیتیک، در این سفر مطرح کرده بود که: «پس از اجرائی شدن برجام، استراتژی خود را برای همکاری با ایران تغییر داده و آماده ارائه ۱۰ میلیارد دلار در قالب فایننس به ایران هستیم؛ به طوری که این پتانسیل وجود دارد که بخش قابل توجهی از این رقم،

به حوزه معدن و صنایع معدنی اختصاص یابد». همچنین تأکید شده بود که مجوزهای لازم تا ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۶ از دولت چین دریافت می‌شود و این بسته‌ی ۱۰ میلیارد دلاری از سال ۲۰۱۷، در تأمین مالی پروژه‌های ایران صرف خواهد شد. این پیگیری تا آن جا پیش رفت که از ایمیدرو درخواست شده بود فهرستی از اولویت‌های خود را ارائه کند تا شرایط لازم برای جذب منابع مالی، بهتر فراهم شود. همچنین آن زمان، صحبتی ناظر به تشکیل دو کارگروه از طرفین ایران و چین برای به جریان افتادن این فایننس و تسریع در فرآیند آن، در میان بود. سطح رابطه ابتدا قرار بود ۵ میلیارد دلار باشد که این مبلغ به ۸ میلیارد و در نهایت نیز به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یافت.

پس از امضای قرارداد در پکن (مرکز سیتیک گروپ)، ولی الله سیف، قرارداد سیتیک تراست را عامل اضافه شدن جنبه استراتژیک به روابط تاریخی دو کشور اعلام کرد. همچنین به دلیل اهمیت موضوع مشترک مذکور در قرارداد، امید بود سیتیک تراست سبب تقویت روابط دو کشور در سایر زمینه‌ها و عاملی برای همبستگی بیشتر دو ملت شود. همچنین یوسنگ چن، معاون سیتیک گروپ، اعلام کرد تأمین مالی این قرارداد و اجرای پروژه‌های مدنظر را زمینه ساز همکاری‌های بیشتر و عامل تقویت روابط اقتصادی-تجاری با ایران در سطح گسترده‌تری در آینده می‌بیند.

هرچند حجم سرمایه گذاری در برنامه‌ی ۲۵ ساله‌ی همکاری‌های مشترک ایران و چین، بسیار بیشتر از قراردادهای مشابه قبلی و مدّت زمان مدنظر، بسیار طویل تر از تفاهم نامه‌های پیش از آن است اما همانگونه که در ابتدای کلام ذکر شد، تصویب و تایید توافقنامه راهبردی ۲۵ ساله، امری چند روزه نبوده است؛ شاید بتوان شکل گیری پازل این قرارداد را بخشی، مرهون تجارب و همکاری‌های موفق بین دو کشور دانست که ثمره‌ی سایر قراردادها و تفاهم‌نامه‌های صورت پذیرفته در حوزه‌های مالی است، قراردادهایی نظیر سیتیک تراست.

بررسی جایگاه فناوری و نوآوری در قرارداد 25 ساله ایران و چین

علی جوان جعفری

قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین را می‌توان یکی از گام‌های مهم در توسعه بازار و گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین دانست. با توجه به تجربیاتی که جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر از مذاکره و توجه به غرب داشته، کارشناسان معتقدند در این مجال بهتر است با شرکای جدیدی که در منطقه و جهان در حال ظهور هستند و اهداف آن‌ها همپوشانی قابل‌توجهی با اهداف ایران دارد، اقدام به شراکت در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی نماید.

قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین از حیث کلیت، موضوع قابل قبولی است؛ اما از جهت راهبردهای فناورانه و دانش‌بنیان چنانچه برنامه اجرایی مناسبی تدوین نگردد، طبیعتاً این امکان وجود دارد که ایران در استفاده از ظرفیت‌های این قرارداد ناکام بماند. تجربه نشان داده اگر در قراردادهای بین‌المللی، بدون طراحی یک استراتژی مناسب، انتظار انتقال فناوری از طرف مقابل را داشته باشیم به مطلوب خود نمی‌رسیم. موضوع انتقال فناوری شرکت‌های نفتی به ایران یا انتقال فناوری پژو فرانس به ایران در سال‌های اخیر که انتقال فناوری جز مشترک در قرارداد هردوی آن‌ها بود، عملاً هیچ‌وقت به‌طور جدی اتفاق نیفتاد.

این موضوعات، از نمونه‌هایی است که نیاز به تدوین استراتژی مناسب برای انتقال فناوری سوق می‌دهد. اصولاً منطق حاکم بر کشورها در حوزه دانش و فناوری به‌گونه‌ای است که هیچ‌گاه به کشور مقابل اجازه نزدیک شدن به مرزهای دانش خود را نمی‌دهند بلکه نهایتاً سرریز دانش خود یا دانش و فناوری‌های قدیمی خود را در قالب قراردادهایی به سایر کشورها می‌فروشند. اما از دانش تا فناوری، حلقه‌های مشخصی وجود دارند که اگر به‌درستی و با هوشمندی دنبال شود می‌تواند ما را به مرزهای دانش و فناوری طرف مقابل برساند.

پیش‌نویس این قرارداد در ۹ بند و ۳ ضمیمه تنظیم شده است. در این قرارداد به موضوعات اقتصادی توجه ویژه‌ای شده است و حوزه دانش و فناوری نیز در این قرارداد بطور خاص مدنظر قرار گرفته است. در بند دوم این قرارداد به موضوع "افزایش میزان اثرگذاری در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و گردشگری" اشاره شده است. همچنین گسترش همکاری‌ها بین دانشگاه‌ها، بخش‌های فناوری و علمی نیز در بند دوم این قرارداد قید شده است. علاوه بر این موارد، در ضمیمه ۱ و ۲ این قرارداد به‌صراحت به موضوع

انتقال دانش و حمایت از زیست‌بوم‌های فناوری و نوآوری و گسترش همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان تأکید شده است.

تمامی این موارد نشان از آن دارد که رویکرد انتقال دانش و توسعه فناوری محور، مدنظر طرفین قرارداد بوده است. اما آنچه بیشتر حائز اهمیت است، تفاوت‌های اقتصادی و فرهنگی دو کشور در ساحت زمینه‌ای و فعالیت‌های دانش‌بنیان است. چین به واسطه نیروی انسانی قوی و ارتباطات وسیع بین‌المللی بعد از دوره اصلاح خود (دهه ۱۹۸۰) توانست به‌طور میانگین سالانه ۱۰ درصد رشد را تجربه کند. چین توانست یک صنعت خودروسازی قابل قبول را ظرف مدت ۱۰ سال راه‌اندازی کرده و وارد بازارهای بین‌المللی شود. طبیعتاً ساختار اقتصادی چین به‌گونه‌ای نیست که در ایران به دنبال پیاده‌سازی آن باشیم. اما موضوعی که در خصوص انتقال فناوری مطرح می‌شود می‌تواند برای ایران بسیار راهگشا باشد.

اصولاً کشورهای تمایلی به انتقال فناوری مخصوصاً در زمان اجرای پروژه ندارند. چراکه اساساً همین فناوری موجب درآمدزایی آن‌ها شده و به راحتی با انتقال آن موافقت نمی‌کنند. این موضوع از نظر اقتصاد سیاسی، امری بدیهی است و ایران در موضوع قراردادهای نفتی و خودروپی این را تجربه کرده است.

مسیر خلق دانش تا رسیدن به فناوری و عرضه آن در بازار مصرف، معمولاً از دانشگاه‌ها و مراکز علمی آغاز شده و از طریق رابطین صنعت و دانشگاه وارد حوزه تجاری‌سازی دانش می‌شود. بعد از تجاری‌سازی دانش و تبدیل آن به فناوری، یعنی ابزار حل یک مسئله، آن را به بازار عرضه می‌کنند. شکی نیست که دانش در دانشگاه‌ها و مراکز علمی شکل می‌گیرد و بخش صنعت، آن را به فناوری قابل مصرف تبدیل می‌کند. با تمرکز روی این دو نهاد کلیدی می‌توان انتقال دانش و فناوری را به نحو احسن دنبال کرد. علاوه بر این موضوع، موضوعات دیگری نیز در حوزه زیرساختی برای تحقق رشد دانش‌بنیان‌های کشور باید مدنظر قرار بگیرد. اما آنچه ایران در این توافق ۲۵ ساله باید به‌عنوان راهبرد مدنظر قرارداد تا بتواند حداکثر ظرفیت را در حوزه ارتقای فناوری و توسعه دانش‌بنیان‌ها داشته باشد در ۴ حوزه تعریف می‌شود:

۱. گسترش همکاری‌های دانشگاهی

دانشگاه‌ها به‌عنوان مهد تولید دانش اصلی‌ترین حلقه در زنجیره اقتصاد دانش‌بنیان، بهترین فرصت را برای ایران ایجاد می‌کنند تا با گسترش پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه‌های صنعتی، فناوری اطلاعات و همچنین تحقیقات، دانش دست‌اول را با کشور چین مطالعه و مبادله نماید. لذا ضرورت دارد که زمینه برگزاری نشست‌های علمی، بازدید و انجام تحقیقات موضوعی دانشگاه‌ها، توسط طرفین قرارداد مدنظر قرار گیرد. کره جنوبی نیز در آغاز قرن ۲۱ با تدوین برنامه‌ای جامع، به موضوع بهره‌گیری از دانش خارجی و تأکید بر فعالیت‌های فناورانه داخلی پرداخت.

۲. اولویت دادن به دانش‌بنیان‌ها

نکته مهم این است که در مناقصه‌های ملی همواره اولویت با شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی یا دانش‌بنیان‌های مشترک با چین باشد. این قرارداد نباید منجر به نادیده گرفتن ظرفیت دانش‌بنیان‌های داخلی به بهانه ارزانی نیروی کار چینی شود.

۳. شتاب‌دهی اکوسیستم نوآوری

عقد این قرارداد و فراهم شدن زمینه ارتباطات دانش‌بنیان‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران و چین با یکدیگر می‌تواند سطح ابتکار و خلاقیت و درنهایت نوآوری را بین دو کشور افزایش دهد. از آنجاکه هسته اصلی اقتصاد دانش‌بنیان حول موضوع نوآوری می‌باشد، هر تلاشی در این حوزه قابل‌توجه و تحسین است. برگزاری نمایشگاه‌های مشترک در زمینه نوآوری و استارت‌آپی و ایجاد هاب نوآوری در منطقه به‌صورت مشارکتی، می‌تواند گام‌های خوبی در راستای تحقق این هدف و رشد بخش خصوصی در کشور باشد.

در همسایگی ایران، قطر، در تلاش است تا شهر دوحه را به مرکز سرآمد آموزشی در منطقه مناب تبدیل کند. از این‌رو «بنیاد آموزش و پرورش، علوم و توسعه جامعه قطر»، شهر آموزش را تأسیس کرده و از سال ۲۰۰۹، دوحه اجلاس سالیانه نوآوری جهانی آموزش را میزبانی می‌کند. ایران نیز می‌تواند در این راستا با مشارکت چین، اجلاسی را برای جمع‌آوری و تبادل دانش و فناوری بین کشورهای همسوی برگزار نماید.

اجرای پروژه‌های مشترک بخصوص در حوزه محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی و انرژی‌های پاک که در قرارداد نیز ذکر شده می‌تواند زمینه خوبی برای شکل‌گیری، همکاری و شتاب‌دهی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در ایران و چین باشد.

۴. فراهم‌سازی بسترهای تأمین مالی

تأمین مالی نوآوری عامل مهمی است که باید در محاسبات، مورد توجه قرار بگیرد. امکان انتقال وجه و گسترش زمینه همکاری‌های مالی بخصوص در حوزه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی دانش‌بنیان‌ها می‌تواند یکی از امکانات مهم برای شتاب‌دهی و جذب سرمایه شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران باشد. این راهبرد باید به گونه‌ای اتخاذ شود که سهم بازار چین در این شرکت‌ها، از حد معقول فراتر نرود و این موضوع، خود نیازمند تنظیم‌گری است. به‌طور متقابل، امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های چینی هم می‌تواند عامل رشد مهمی در این زمینه باشد.

قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین فرصت خوبی برای جمهوری اسلامی ایران است تا رشد اقتصادی خود را بهبود دهد و چنانچه این رشد اقتصادی به‌صورت انتقال دانش و فناوری و به‌بیان‌دیگر، رشد اقتصادی به‌صورت دانش‌بنیان باشد، بیشترین منفعت را برای ایران خواهد داشت. علی‌رغم اینکه در مفاد و ضمایم این قرارداد به موضوع حمایت و انتقال فناوری اشاره شده اما تجربه ثابت کرده که بدون داشتن استراتژی مناسب، امکان بهره‌مندی از دانش کشور دیگر حتی با عقد قرارداد، وجود ندارد.

از مهم‌ترین راهبردهایی که در این قرارداد باید مدنظر قرار گیرد زمینه‌سازی برای انتقال دانش است. از جمله این راهبردها گسترش همکاری‌های دانشگاهی بین دو کشور، اولویت دادن به دانش‌بنیان‌ها در مناقصات، برنامه‌ریزی جهت شتاب‌دهی اکوسیستم نوآوری کشور و همچنین فراهم‌سازی بستر تأمین مالی برای جذب سرمایه در کشور است.